

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۴۱

۱ تیر ۱۴۰۵

۲۲ ژوئن ۲۰۲۶



دوشنبه ها منتشر میشود

بیانیه حزب کمونیست کارگری در باره

"تفاهم نامه" میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی، صفحه ۳



بحران ساختاری جمهوری اسلامی و ضرورت سازمانیابی اعتراضات مردمی

شهلا دانشفر، صفحه ۲

امضاء تفاهتنامه، حاصل یک بن بست دوجانبه

مهران محبی، صفحه ۴

اعتراض در محکومت حکم شلاق پرستو احمدی و ارکستر کاروان صفحه ۵

سه حرکت اعتراضی مهم

اعتصاب سراسری کارگران، کامیون داران و رانندگان کامیون معدن طزهر، اعتراض بیش از هزار دانشجوی دانشگاه شریف به اخراجها و اعتراض مسعود فرهیخته معلم زندانی، صفحه ۵

تداوم کارزار سه شنبه های نه به اعدام، تجمع ناوایان بجنورد و اخباری دیگر صفحه ۷

اعتراض کشاورزان گرمسار و آرادان و خبری دیگر صفحه ۷

تجمع اعتراضی کارکنان حوزه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین و دور جدید اعتراضات دانش

آموزان صفحه ۸

تجمعات اعتراضی بازنشستگان درچندین شهر و اخباری دیگر صفحه ۹

بیانیه اعتراضی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران و خبری دیگر صفحه ۱۰

مدیای اجتماعی

سخنرانی شهلا دانشفر در کنفرانس ۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

صفحه ۱۳

زندان، چماق سرکوب برای هر صدای اعتراض است صفحه ۹

ادامه فشارهای امنیتی بر روی معلمان و دستگیریها و احضارها، صفحه ۱۲

در حمایت از پرستو احمدی و همکارانش؛ شلاق، سلاح حکومت علیه زنان و انقلاب زن زندگی

آزادی، صفحه ۱۱

ترس حاکمان از مردم و

خیابان-یاشارسهندي

صفحه ۶

در دفاع از پرستو احمدی و

همکارانش!

شلاق جنایتکاران هم

نجاتشان نخواهد داد!

صفحه ۸

اعتراضات گسترده دانش

آموزان، تجمع بازنشستگان

مخابرات در سندج

صفحه ۱۱

مدیای اجتماعی

جان های به اسارت کشیده

مان را آزاد کنید! صفحه ۱۳

وخامت جسمی آمنة

بیرقداری و اعتراض مسعود

فرهیخته

صفحه ۱۴



بحران ساختاری جمهوری اسلامی و ضرورت

سازمانیابی اعتراضات مردمی

شهلا دانشفر

اعتراضات اخیر محمدرضا باهنر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، تصویری روشن از ابعاد فاجعه اقتصادی و اجتماعی حاکم بر ایران ارائه می‌دهد. او از ۳۰ میلیارد دلار خسارت مستقیم ناشی از جنگ و دست‌کم ۲۰۰ میلیارد دلار عقب‌ماندگی اقتصادی سخن گفته و در عین حال تأکید کرده است که هشت سال تورم‌های متوالی حدود ۴۰ درصدی، قیمت کالاها را در مجموع نزدیک به ده برابر افزایش داده است. این اظهارات در واقع اعتراضی از درون حاکمیت به شکست سیاست‌هایی است که بار اصلی هزینه‌های آن بر دوش کارگران، بازنشستگان، معلمان، زنان، جوانان و تهیدستان جامعه تحمیل شده است.

واقعیت زندگی میلیون‌ها نفر در ایران امروز چیزی جز فقر، ناامنی معیشتی، بیکاری، دستمزدهای زیر خط فقر و محرومیت از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی نیست. رانده شدن بخش‌های بیشتری از مردم به صفوف مستمندان، گسترش حاشیه‌نشینی، بحران مسکن و ناتوانی بخش بزرگی از جامعه در تأمین نیازهای اولیه، نتیجه مستقیم سیاست‌های اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی است. هنگامی که حتی مقامات حکومتی اذعان می‌کنند خانواده‌ای با درآمد ده‌ها میلیون تومانی نیز در تهران با دشواری معیشت روبه‌رو است، عمق بحران آشکارتر می‌شود.

در کنار بحران اقتصادی، حکومت با بحرانی عمیق در عرصه مشروعیت سیاسی نیز روبه‌رو است. هشدار مسعود پزشکیان مبنی بر احتمال گسترش اعتراضات خیابانی، بیانگر نگرانی فزاینده حاکمیت از انباشت خشم اجتماعی است. اعتراضات مستمر بازنشستگان، کارگران، پرستاران، معلمان و سایر مزدبگیران تنها جلوه‌ای از نارضایتی گسترده‌ای است که سراسر جامعه را فراگرفته است.

امروز جامعه ایران در برابر حکومتی قرار گرفته که پاسخ آن به مطالبات مردم نه رفع فقر و تبعیض، بلکه تشدید سرکوب، گسترش فضای امنیتی، زندان، اعدام و محدود کردن هر چه بیشتر آزادی‌های اجتماعی و سیاسی است. در چنین شرایطی هر جرقه‌ای می‌تواند به گسترش اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی منجر شود.

حاکمیت به‌خوبی می‌داند که بزرگ‌ترین چالش پیش روی آن نه قدرت‌های خارجی، بلکه میلیون‌ها انسانی هستند که دیگر حاضر به تحمل شرایط موجود نیستند.

تحولات اخیر در مناسبات میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده با دو موضوع اصلی پایان جنگ و باز شدن تنگه هرمز، به معنای پایان تنش بین این دو کشور نیست. بلکه در بهترین حالت بازگشت به شرایط قبل از جنگ است. در مقابل شکاف‌ها و اختلافات درون ساختار قدرت را بیشتر شده است. در حالی که برخی از جریان‌های حکومتی از تنش‌زدایی و توافق سخن می‌گویند، گروه‌های دیگر آن را نشانه عقب‌نشینی و شکست سیاست‌های پیشین تلقی می‌کنند. نتیجه این وضعیت، تشدید کشمکش‌های درونی و افزایش بی‌ثباتی سیاسی در ساختار حاکمیت است. این تفاهم‌نامه و شرایط سیاسی‌ای که بدنبال دارد مقابله مردم با حکومت اسلامی را وارد دور جدیدی خواهد کرد.

جمهوری اسلامی امروز با بحرانی چندوجهی روبه‌رو است؛ بحرانی که ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی هویتی آن هر روز گسترده‌تر می‌شود. در مقابل، جامعه نیز بیش از گذشته در جستجوی راه‌حلی برای پایان دادن به وضعیت موجود است. مردم ۹۰ میلیونی ایران که کشتار دیمه را تجربه کرده است، عزمش برای سرنگونی این حکومت راسخ است.

جنبش "زن، زندگی، آزادی" نشان داد که ظرفیت عظیمی برای مقاومت، سازمانیابی و همبستگی در جامعه وجود دارد. این جنبش، علاوه بر دستاوردهای مهم فرهنگی و سیاسی، تجربه‌های ارزشمندی در زمینه شبکه‌سازی اجتماعی، سازماندهی اعتراضات و پیوند میان مطالبات گوناگون اجتماعی برجای گذاشت. این تجربه‌ها می‌توانند مبنایی برای گسترش تشکلهای مستقل مردمی، شوراهای محلی، نهادهای همبستگی و اشکال مختلف سازمانیابی از پایین باشند.

در چنین شرایطی، سازمانیابی اعتراضات، گسترش همبستگی میان جنبش‌های اجتماعی، تقویت تشکلهای مستقل مردمی و دفاع از حقوق و آزادی‌های مدنی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. مبارزه برای رفع فقر، تبعیض، سرکوب و جنایت حکومت، نیازمند اتحاد و مشارکت گسترده نیروهای اجتماعی و اکتیویست‌های اجتماعی است.

ایران امروز در نقطه‌ای حساس از تاریخ خود قرار دارد. بحران‌های انباشته اقتصادی و سیاسی، همراه با رشد نارضایتی عمومی، چشم‌انداز تحولات مهمی را در برابر جامعه گشوده است. آینده کشور در گرو اراده و نقش‌آفرینی مردمی است که خواهان آزادی، رفاه، عدالت و کرامت انسانی هستند. در چنین شرایطی، سازمانیابی آگاهانه، گسترش اعتراضات متحد و تقویت نهادهای مستقل مردمی می‌تواند زمینه‌ساز حرکت به سوی جامعه‌ای آزاد، برابر و انسانی می‌باشد.

تمام قدرت به دست مردم!

بیانیه حزب کمونیست کارگری در باره "تفاهم‌نامه" میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی



زنداسرائیلی‌اش را به تعرض و پیشروی بیشتر خود علیه کلیت جمهوری اسلامی تبدیل خواهند کرد. پیشروی و پیروزی مبارزات آزادی‌خواهانه و سرنگونی طلبانه مردم ایران نه تنها به چرخه جنگ، تنش و ناامنی پایان خواهد داد، بلکه منطقه و جهان را نیز از یکی از مهم‌ترین کانون‌های صدور تروریسم اسلامی، بی‌ثباتی و ماجراجویی‌های حکومت ننگین جمهوری اسلامی رها خواهد ساخت.

مسئله اصلی مردم ایران شکل رابطه دولت‌ها با جمهوری اسلامی — خواه جنگ یا مذاکره، تخاصم یا توافق — نیست، بلکه نفس برقراری چنین رابطه‌ای است. مردم ایران خواهان آن هستند که دولت‌های جهان جمهوری اسلامی را به عنوان نماینده آنان به رسمیت نشناسند و روابط سیاسی، دیپلماتیک، نظامی، فرهنگی و ورزشی خود را با این رژیم ضد بشری قطع کنند.

جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست؛ حکومتی است که با سرکوب، زندان، اعدام، تبعیض و محروم کردن شهروندان از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی، در برابر خواست و اراده اکثریت مردم ایران قرار گرفته است. به رسمیت شناختن جمهوری اسلامی به عنوان نماینده ایران، نادیده گرفتن مبارزات و مطالبات میلیون‌ها انسانی است که برای آزادی، برابری و کرامت انسانی مبارزه می‌کنند.

با پایان دوره جنگ و تخاصم جاری بار دیگر جنگ مردم با حکومت به محور تحولات سیاسی در ایران بدل خواهد شد. بی تردید آینده این جامعه در مبارزات آزادی‌خواهانه و برابری طلبانه مردم رقم خواهد خورد. تنها نیرویی که می‌تواند راه آزادی، برابری، رفاه و کرامت انسانی را در ایران بگشاید و شرایطی مناسب‌تر برای صلح پایدار در منطقه ایجاد کند، جنبش آزادی‌خواهانه و برابری طلبانه مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است. ما همه مردم جهان و دولت‌های مدعی دموکراسی حقوق بشر را به حمایت قاطع از مبارزات آزادی‌خواهانه مردم ایران و جنبش زن زندگی آزادی برای سرنگونی جمهوری اسلامی فرا می‌خوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ خرداد ۱۴۰۵، ۱۸ ژوئن ۲۰۲۶

"تفاهم‌نامه" میان دولت آمریکا و رژیم جمهوری اسلامی، که از سوی ترامپ و پزشک‌های امضا شده و اکنون مفاد چهارده ماده‌ای آن نیز منتشر شده است، در بهترین حالت می‌تواند به بازگشت به شرایط پیش از آغاز جنگ و پیش از بسته شدن تنگه هرمز منجر شود. این تفاهم‌نامه به مسائلی که به وقوع این جنگ انجامید نمی‌پردازد و حل و فصل این مسائل را به مذاکرات و توافقات بعدی موکول کرده است.

شرایطی که به حصول این توافق‌نامه انجامید، از یک سو به محدودیت‌ها و تنگناهای فزاینده دولت آمریکا در ادامه جنگ و گسترش دامنه آن بازمی‌گردد و از سوی دیگر به فشارهای سنگین نظامی، اقتصادی و سیاسی‌ای مربوط است که این جنگ بر جمهوری اسلامی وارد کرده و باعث شده است موقعیت آن بیش از پیش تضعیف شود. جمهوری اسلامی در نتیجه این فشارها بویژه با حذف خامنه‌ای و بالاترین سران سپاه پاسداران، با بحرانی عمیق‌تر و با توان و ظرفیت کمتری برای ادامه رویارویی و تحمیل هزینه‌های جنگ به جامعه روبه‌رو بوده است.

سؤال اساسی اکنون این است که آیا تنش و درگیری نظامی با این تفاهم و حتی توافقات بعدی به پایان خواهد رسید؟

در یک سطح مشخص پاسخ به این سؤال پس از مذاکرات ۶۰ روزه روشن خواهد شد. اما در یک سطح عمومی‌تر مساله خصومت با غرب برای جمهوری اسلامی امری هویتی استراتژیک است. جمهوری اسلامی از بدو به قدرت رسیدن، با اتکا به سیاست‌های غرب‌ستیزانه، ضدآمریکایی و با اتخاذ موضع رسمی نابودی اسرائیل، و به‌ویژه از طریق حمایت سیاسی، مالی و نظامی از نیروهای نیابتی و گروه‌های مسلح تروریستش در منطقه، یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری فضای خصومت، تنش و بی‌ثباتی در منطقه بوده است. این سیاست‌ها نه صرفاً تاکتیکی، بلکه بخشی از هویت ایدئولوژیک و راهبردی جمهوری اسلامی را تشکیل داده‌اند.

جنگ‌های ۱۲ روزه و ۳۹ روزه نیز در ادامه همین سیاست‌های تنش‌آفرین و جنگ‌افروزان رخ دادند؛ سیاست‌هایی که حکومت برای حفظ موقعیت منطقه‌ای و هویتی خود بر آن‌ها اصرار ورزیده است. از این رو، توافقات موقت و آتش‌بس‌های مقطعی، تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سر کار است، نمی‌توانند به معنای پایان بحران و تنش باشند.

در نتیجه، تا زمانی که جمهوری اسلامی در قدرت باقی مانده است، خطر رویارویی‌های نظامی، تشدید تنش‌های منطقه‌ای و بازتولید فضای جنگی همچنان پابرجا خواهد بود. آنچه امروز شاهد آن هستیم، نه پایان یک بحران، بلکه ادامه چرخه‌ای است که به «جنگ - مذاکره - جنگ» تبدیل شده است؛ چرخه‌ای که ریشه‌های آن در ماهیت سیاسی و راهبردی جمهوری اسلامی و تناقضات حل‌نشده میان آن و قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار دارد.

آنچه سرنوشت سیاسی ایران را رقم خواهد زد، نه جنگ میان دولت‌ها، بلکه مبارزه مردم ایران برای پایان دادن به حاکمیت جنایتکارانه جمهوری اسلامی است. مردم حتی هر درجه عقب‌نشینی حکومت از استراتژی ضدآمریکائی -

BOYCOTT
Iran's killer regime!

امضاء تفاهنامه، حاصل یک بن بست دوجانبه

مهران محبی



وحشت سران جمهوری اسلامی از اوضاع انفجاری جامعه در شرایطی به طور بی سابقه بحرانی (تشدید تنش های درون حکومتی) است.

سران جمهوری اسلامی (باند طرفدار تفاهم) به صراحت اعتراف به نوشیدن جام زهر می کنند. همین باند پیشتر و در زمان جنگ 39 روزه بارها گفته بودند که به خاطر بحرانی تر شدن اوضاع اقتصادی ناشی از بمباران ها و قطع شریان های مالی از طریق صادرات نفت و پتروشیمی و غیره نه تنها نمی توانند ادامه جنگ را تحمل کنند، بلکه حتی از عهده اداره جامعه در حد پیش از جنگ هم بر نمی آیند. همین ها قبلا بارها بر سر و کله خود کوبیده بودند که موقعیت داخلی و منطقه ای و بین المللی حکومت بسیار وخیم و فوق بحرانی است و ادامه این شرایط برایش ممکن نیست، ولی مدام با مخالفت مخالفان مذاکراه مواجه بودند و اختلافات تا جانی پیش رفت که کار به درگیری ها و اسلحه کشی های خیابانی در تجمعات شبانه حکومتی کشیده شد. حالا هم پس از امضای تفاهنامه اختلافات ادامه دارد و در چنین اوضاعی است که باند امضاء کننده تفاهنامه تلاش می کند با هر حيله گری و حقه بازی ای شکست حکومت شان در جنگ و تقابل با آمریکا را به وارونه در برابر افکار عمومی به پیروزی تعبیر کند و ریاکارانه برای کاستن از خشم مردم به تنگ آمده از فقر و گرسنگی ناشی از جنگ افروزی های حکومت، وعده گشایش اقتصادی و بهبودی وضعیت معیشتی بدهند. از طرف دیگر سعی می کنند با رجوع به وقایع کربلا و حواله شدن خونخواهی خون امام حسین شان به امام زمان شان رضایت خونخواهان خون رهبر و بقیه کشته شدگان حکومتی به دست ترامپ را عینا با حواله کردن وظیفه خونخواهی به همان امام زمان جلب کنند.

قالیباف که نقش مهره اول رژیم در مذاکرات را بازی می کند در یک مصاحبه تلویزیونی گفته است که باید سنکر را از بچه های لانچری تحویل بگیریم و مردم را از زیر فشار اقتصادی در بیاوریم! جالب این است که در همین مصاحبه می گوید: "قبلا در جریان برداشته شدن تحریم ها و آزادسازی بیش از یک صد میلیارد دلار پول بلوکه شده، هیچ سرمایه گذار خارجی ای به خاطر ترس از ناامنی، حاضر به سرمایه گذاری در ایران نشده بود" و واقعیت این است که امروز اوضاع برای سرمایه گذاری های خارجی نسبت به دوره برجام بسیار ناامن تر است. خود قالیباف هم در مصاحبه اش ناخواسته اعتراف می کند که وضع حکومت بحرانی تر از هر گذشته ای است. او می گوید در این تفاهنامه قرار نیست هیچ پولی از پول های بلوکه شده جمهوری اسلامی به صورت نقدی و پولی در اختیار رژیم قرار داده شود و به جای آن یک خط اعتباری باز شده است. این یعنی رژیم می تواند از طریق اعتبار، کالاهایی را به طور کنترل شده و تحت نظر خریداری کند. در نتیجه، قالیباف در این مصاحبه به زبان الکن آب پاکی را روی دست جامعه ریخته که هیچ گشایشی در اقتصاد و هیچ روزنه ای برای بهبودی در وضعیت زندگی مردم قابل تصور نیست ولی در عین حال سعی کرده با دادن این وعده توخالی جامعه را به دادن مهلت نفس کشیدن به حکومت دعوت کند.

این مهره ظاهرا همه کاره امروزی رژیم برای آرام کردن مخالفان حکومتی خودش هم ابتدا به نوشیدن جام زهر اعتراف می کند و سپس همانطور که پیشتر توضیح داده شد، به داستان کربلا و ریخته شدن خون حسین متوسل می شود. او می گوید: "من برای پذیرش در تیم مذاکره کننده کراحت داشتم... ترامپ طراح، آمر و ناظر ترور حاج قاسم است... شما فکر می کنید این که بخوام با چنین فردی متنی را جمع کنم کار راحتی است؟" و اضافه می کند که خونخواهی رهبر، آزادی قدس است.

اما معلوم است علی رغم تلاش های باند قالیباف برای کنترل اوضاع، چه بحران و التهاب اجتماعی و چه بحران درون حکومتی، شرایط رو به وخامت بیشتر می رود. قالیباف و طرفداران اش از اصلاح طلب گرفته تا اعتدالگرا نه می توانند خشم جامعه

سرانجام شب چهارشنبه ۲۷ خرداد، جمهوری اسلامی و ترامپ تن به امضای تفاهم برای خروج از اوضاع کنونی دادند. این تفاهنامه شامل 14 بند است که قرار است در مدت 60 روز آینده، طرفین بر سر نحوه اجراء آنها با هم مذاکره کنند. مهلت 60 روزه طبق ادعاهای هر دو طرف ممکن است تمدید یا افزایش یابد.

در این تفاهنامه آن طور که در متن آمده، خواست های فوری آن شامل این است که جمهوری اسلامی تنگه هرمز را بازگشایی کند و ترامپ هم متقابلا به محاصره دریائی و جنگ در همه جبهه ها از جمله در لبنان خاتمه دهد. همانطور که در متن منظور گردیده، مذاکرات بر سر رقیق کردن اورانیوم غنی شده 60 درصدی در داخل ایران با نظارت آژانس انرژی اتمی و نحوه عملی کردن امتیازاتی که قرار است ترامپ به جمهوری اسلامی بدهد، مانند امکان تأمین 300 میلیارد دلار برای به اصطلاح بازسازی و توسعه اقتصادی ایران از طریق مشارکت شرکت های خصوصی آمریکائی و آفریقائی و آسیائی، قرار است در مهلت 60 روزه در مذاکره انجام گیرد.

بنابر اخبار، بلافاصله بعد از امضاء تفاهنامه توسط ترامپ و پزشکیان، جمهوری اسلامی تنگه هرمز را بازگشایی کرد و متقابلا ارتش آمریکا هم به محاصره دریائی خاتمه داد و اعلام کرد که جنگ در همه جبهه ها متوقف شده است (اگرچه اسرائیل به حملات خود علیه حزب الله در لبنان را متوقف نکرده است). جالب این است که هم جمهوری اسلامی و هم ترامپ بر این مبنا خود را پیروز میدان می دانند.

اما واقعیت چیز دیگری است و متن تفاهنامه هم به روشنی نشان می دهد که برخلاف ادعاها، هر دو طرف شکست خورده و بازنده هستند و هیچیک موفقیتی را به دست نیاورده اند. جمهوری اسلامی زیر فشار آسیب هائی که در نتیجه دو جنگ از نظر سیاسی و نظامی، و اقتصادی ای که متحمل شده، ناچار گردیده با دشمن تاریخی هویتی و ایدئولوژیکی خود و دردناک تر از آن با شخص ترامپ، قاتل سردار سلیمانی و خامنه ای و ده ها مقام کلیدی سیاسی و نظامی و هسته ای سر میز توافق بنشینند و دست او را بفشارد و در مقابل، ترامپ هم که وعده داده بود با حمله نظامی به پروژه های هسته ای و موشکی و نیابتی جمهوری اسلامی پایان خواهد داد و منطقه را برای تجارت و سرمایه گذاری های اقتصادی بین المللی امن خواهد کرد نه تنها ناکام مانده، بلکه خود به بحرانی دیگر (بسته شدن تنگه هرمز) دامن زده و حالا زیر فشار جهانی مجبور به عقب نشینی و تن دادن به پذیرش شرایطی شده که پیشتر به آن نقد داشت.

علاوه بر این شواهد واقعی در میدان که نشان دهنده شکست و بن بست هم برای جمهوری اسلامی و هم برای ترامپ و دولت آمریکا و دلیل تن دادن آنها به امضای تفاهنامه بوده است، زبان و بیان طرفین در توصیف و توجیه تفاهنامه هم کاملا گویاست. این تفاهنامه اعترافات صریح آنها نه تنها به شکست خود در جنگ، بلکه بیانگر نگرانی از تبعات سیاسی برای موقعیت هر دو طرف و مخصوصا بیانگر

اعتراض در محکومت حکم شلاق پرستو احمدی و ارکستر کاروان



و رفع هر گونه تبعیض، زندگی و آزادی را بدست خواهیم آورد."

در خارج کشور نیز یک موضوع اعتراضات روز گذشته بیستم ژوئن روز حمایت جهانی از زندانیان سیاسی و در تداوم شبیه های اعتراضی علیه جمهوری اسلامی اعتراض به احکام شلاق علیه پرستو احمدی و همکاران موزیسین وی بود. حمایت از پرستو احمدی و ارکستر کاروانسرا، اعتراضی است به بساط آپارتاید جنسی و عهد عتیقی حاکم که تلاش میکند جامعه را به فقر ببرد و هنرمندان و همه مردم پیشرو ایستاده اند و یک ذره در برابر این عقب ماندگی و تحجر و مافیای کوتاه نمی آیند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ خرداد ۱۴۰۵، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۶

امروز ۳۱ خرداد مراسم بزرگداشت استیون بلام، پژوهشگر آمریکایی موسیقی اقوام و موسیقی ایران، در خانه هنرمندان تهران برگزار شد. در این مراسم حسین علیزاده آهنگساز و از چهره های مهم موسیقی معاصر ایران یکی از سخنرانان بود. او طی سخنرانی جسورانه ای با اشاره به احکام شلاق دست اندرکاران کنسرت کاروانسرا گفت که شاهد عصر حجر هستیم. علیزاده ضمن تعریف از استعداد افراد این گروه و شجاعتشان، صدور این احکام را محکوم کرد. حکم شلاق پرستو احمدی و همکارانش موجی از اعتراض را همراه داشته است.

گوگوش، خواننده سرشناس ایرانی نیز در صفحه اینستاگرام خود صدور حکم ۷۴ ضربه شلاق، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال محرومیت از فعالیت هنری علیه پرستو احمدی، خواننده و هشت نفر از نوازندگان و دست اندرکاران «کنسرت کاروانسرا» را مورد اعتراض قرار داد. همچنین ندای زنان ایران طی بیانیه ای این حکم را محکوم کرد و نوشت: "ندای زنان ایران ضمن محکوم کردن حکم شلاق و دیگر احکام صادر شده در پرونده "کنسرت فرضی کاروانسرا" از همه انسانهای شریف و آزادیخواه، تشکلهای و نهادهای مدافع حقوق انسان می خواهد با حمایت هر چه وسیعتر از پرستو احمدی و حق مسلم آواز و حضور آزادانه زنان در عرصه های زندگی با اتحاد و همبستگی خود، احکام صادره و سیاستهای سرکوبگرانه حاکمان را به عقب برانیم.

ما به عقب برنمی گردیم و با در هم شکستن همه بساط آپارتاید جنسی و جنسیتی

سه حرکت اعتراضی مهم

اعتصاب سراسری کارگران، کامیون داران و رانندگان کامیون معدن طزره، اعتراض بیش از هزار دانشجوی دانشگاه شریف به اخراجها و اعتراض مسعود فرهیخته معلم زندانی

۲۵ شهریور ۱۴۰۴ در پی تأیید حکم صادره از سوی شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان البرز، دوران محکومیت سه سال و شش ماه و یک روز حبس خود را در زندان مرکزی کرج سپری می کند، با پرونده سازی جدیدی مواجه شده و مقرر است روز هفتم تیرماه در شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج مورد محاکمه قرار بگیرد. او در فایلی صوتی اعلام کرده است که در این جلسه شرکت نخواهد کرد.

مسعود فرهیخته در یک فایل صوتی از زندان مرکزی کرج اعلام کرده که در پرونده سازی جدیدی که علیه او در زندان تشکیل شده که به موجب آن قرار است در ۷ تیر در شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج به اتهام تبلیغ علیه نظام محاکمه شود، شرکت نخواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۳۱ خرداد ۱۴۰۵، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۶

اعتصاب سراسری کارگران، کامیون داران و رانندگان کامیون معدن طزره روز ۳۱ خرداد کارگران زغال سنگ طزره به همراه کامیون داران و رانندگان معدن زغال سنگ طزره (البرز شرقی)؛ در اعتراضی متحد به عدم پرداخت دستمزدهای میلیونی خود از اسفند سال گذشته دست از کار کشیدند و شریان انتقال بار را به طور کامل متوقف کردند.

اعتراض بیش از هزار دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف به اخراجها

در پی تشدید فضای امنیتی و صدور احکام تعلیق و اخراج برای چندین تن از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، بیش از هزار نفر از دانش آموزان و دانشجویان این دانشگاه در نامه ای سرگشاده به ریاست دانشگاه، به روند رو به رشد پرونده سازی های انضباطی اعتراض کردند. امضاکنندگان این بیانیه در اعتراض به تشکیل دست کم ۳۰ پرونده انضباطی و صدور احکام بدوی و قطعی اخراج در ماه های اخیر، خواستار استعفای مدیریت دانشگاه شدند.

خودداری مسعود فرهیخته به شرکت در دادگاه حکومت

- بر اساس گزارش های منتشر شده، مسعود فرهیخته، از معلمین معترض که از

از صفحه ۴

امضاء تفاهنامه، ...

را کنترل و از فعال شدن خیزش آتی جلوگیری کنند و نه مخالفان حکومتی را آرام و با خود همسو کنند. نشانه های تشدید اختلافات بعد از امضای تفاهنامه بیشتر نمایان شده اند. سپاه همچنان تهدید به حمله به اسرائیل و منافع و مواضع آمریکا در منطقه می کند و در جدال درون حکومتی هم کار باند مخالف تفاهم، به تهدید به قتل کشیده شده است. یکی از نمونه ها این است که محمدعلی بخشی یکی از مداحان حکومتی روز جمعه ۲۹ خرداد پزشکيان را تهدید به قتل کرده است.

در نتیجه با توجه به مجموعه مؤلفه های موجود که در روزها و هفته ها و شاید ماه های آینده گلولی رژیم را بیشتر خواهد فشرد، می توان مطمئن بود که جمهوری اسلامی با سرعت بیشتری به سوی سرنوشتی سوق خواهد یافت.

پیش بسوی اعتصابات سراسری!

ترس حاکمان از مردم و خیابان - یاشارسهندی

گرفته است، مانند کارزار" اعتراض به عدم کاهش قیمت کالاها درحالی که قیمت دلار ریزش کرده"، که این کارزار چیزی نیست جز نامه ای تضرع آمیز به "مسئولین دستگاه قضایی"، به آن بخش از حکومت که مجری احکام اعدام است؛ و با اعدام هر روزه سعی دارند شاید ترس تو دل مردمی بکارند که هر آن مترصد فرصتی هستند تا بار دیگر به خیابان بیایند.

در جنگ و در مذاکره و در صورت رسیدن به توافق با شیطان بزرگ، جمهوری اسلامی ثابت کرده است تنها اصل برایش، "حفظ نظام" است. اما از اعتراضات سال 96 بدین سو، حلقه محاصره را مردم بر جمهوری اسلامی سرمایه، با وجود تحمل هزینه های بسیار سخت و سنگین تنگتر و تنگتر کرده اند. و برخلاف تصویری که رسانه هایی که سنگ سلطنت پهلوی را به سینه میزنند، مردم ناامید نشده اند. ناامید شدگان تنها کسانی هستند که به عمو ترامپ و بی بی و بمباران امید داشتند که با ویران کردن به نان و نوایی برسند.

جمهوری اسلامی رهبرش کشته شد، و جانشین او زخمی و مخفی است و جز شیخ مقوایی اش چیزی از او مشاهده نشده است. قالیباف که آرزویش این بود نقش "رضا خان اسلامی" را ایفا کند و اکنون به مدد ترامپ و نتانیاهو رقیبان حکومتی اش از میان رفته اند، این آرزو را دست یافتنی میدانند. اما این رضا خان اسلامی نمی تواند به مانند رضا خان قلی چکمه به پا کند و "من حکم میکنم" صادر کند. چرا که با مردمی روبروست که نزدیک به نیم قرن است در مبارزه با حکومت اسلامی هستند.

جمهوری اسلامی در همه این سالها نشان داده است جز سرکوب هیچ جوابی به مردم معترض در کف خیابان ندارد. امروز بعد از جنگ 39 روزه با مردم در کوچه و خیابان و محل کار همکلام میسوی هیچ کس به اندازه سر سوزنی باور ندارد که مذاکرات و شاید هم توافق، گشایشی در زندگی روزمره اش ایجاد کند. به طور نمونه میتوان به این اشاره کرد که دوستی نقل کرد در جمع زنانی که در پارکهای عمومی به ورزش صبحگاهی مشغول هستند صحبت از این بود که "کار اینها (جمهوری اسلامی) تمام است!"

پزشکیان در ترس خود تنها نیست. او تنها این را به صراحت بیان کرده است. کلیه کارگزاران حکومتی هم در این ترس با او شریک هستند. برخی از ایشان اما راه حل را جنگ با "دشمن صهیونی امریکایی" میدانند، و برخی دیگر این را بی ثمر.

سرنگونی حکومت اسلامی نه تنها از دستور کار جامعه کنار گذاشته نشده است، بلکه بیشتر از هر زمانی مبرمیت آن برای کل جامعه حس میشود. جمهوری اسلامی با توافق، بدون توافق، با صلح یا با جنگ دشمن انسانیت و تمدن است. این حکومت تمام ظرفیتهای ضد بشری خود را بکار برده است و نتیجه اش شده اینکه رئیس جمهوری از ترس خود از اعتراض خیابانی مردمی میگوید که باید به حساب ایشان با سرکوبهای وحشیانه همه سالهای گذشته اکنون ساکت می ماندند. مردمی که هر روز بیش از پیش به سوی فقر و تنگ دستی گسترده رانده میشوند، تا این لحظه این جامعه هیچ نشانه ای از استیصال از خود نشان نداده است. اگر اکنون در خیابانها اعتراض گسترده مشاهده نمیشود اما یک چیز را ما مردم فرا گرفتیم که به قول بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران "با حاکمان باید با زبان خیابان گفت و گو کرد."

تفاهم نامه بین جمهوری اسلامی و امریکا به صورت رسمی و از راه دور امضا شد. قالیباف و عراقچی در هتل مجلی در سوئیس با نمایندگان دولت ترامپ برای رسیدن به توافق روبروی هم نشستند. اما جمهوری اسلامی حاضر نشد در مراسم عکس یادگاری شرکت کند، که مثلاً گفته باشند ما هنوز قهریم! به واقع اوضاع به قولی در شرایط هم جنگ و هم صلح قرار دارد. اما امری که مسلم است این است که این بار هم قرار نیست مانند برجام مراسم آشتی کنان جمهوری اسلامی با شیطان بزرگ برای مردم نفعی داشته باشد.

با امضا تفاهم بلافاصله کارگزاران حکومت اسلامی، هر کدام به نوبت خود، ساز همیشگی را کوک کردند که مردم نباید انتظار داشته باشند تحولی در زندگی شان از بابت معیشت رخ بدهد. در عین حال پزشکیان اقرار کرده که 20 میلیون بشکه نفت را در اختیار سپاه گذاشته که خرج خودش بکند. همراه با اینها اما هشدارها از سوی "عاقلهای نظام" و خود پزشکیان صادر شده که تاکیدی است مبنی بر اینکه مردم خسته و بیزار از حکومت منتظر فرصت هستند که بار دیگر در خیابان حسابهای خود را با جمهوری اسلامی تصفیه کنند.

مسعود روغنی زنجانی رییس سابق سازمان برنامه و بودجه در دولت رفسنجانی در مصاحبه ای ضمن اشاره به اینکه همه کاربدستان حکومتی برای آزاد شدن پولهای بلوکه شده بی تابی میکنند تا آنرا تحت عنوان "بازسازی" تاراج کنند، از "بی اعتمادی مردم به حکومت" گفته است. او هشدار میدهد این آخرین فرصت است، مردم خسته شده اند و از خطر "بی ثباتی" که اسم رمز قیام مردم است، این چنین میگوید: "باید مردم را رها نکرد. در بسیاری از نقاط کشور، از جمله در برخی مناطق لرستان و ایلام، شدت فشار اقتصادی بسیار بالاست. در چنین شرایطی، اگر مساله قدرت خرید مردم حل نشود، طبیعی است که دچار بی ثباتی می شویم. بنابراین نباید دوباره به سمت استقراض رفت یا به مردم واقعیت را نگفت. مردم واقعا خسته شده اند."

او در قبال سوال دیگر که در قبال بحرانی که اکنون جمهوری اسلامی در آن گرفتار است آیا خوشبین هست که از دل بحران "راهکاری زاده شود!" روغنی زنجانی در جواب میگوید: "متأسفانه خوشبین نیستیم" و اظهار میدارد اگر مذاکرات منجر به صلح هم بشود "بحث توسعه و سرمایه گذاری باید کنار گذاشت" و بعد تاکید میکند: "در شرایط فعلی تنها باید قدرت خرید مردم را حفظ و به تدریج در مردم ایجاد اعتماد کرد." تا شاید خطر سرنگونی از جمهوری اسلامی دور شود.

اما حرف آخر را پزشکیان اینگونه بیان کرده است: من از این می ترسم که نتوانیم مردم راضی کنیم و به خیابان بیایند اعتراض کنند."

سایت حکومت رویداد 24 در تحلیلی در مورد گفته پزشکیان نوشته است: "حقیقت تلخ آن است که مردم از وعده، جراحی های اقتصادی بدون دستمزد عادلانه و تهدیدهای مداوم خسته اند. اگر حاکمیت و دولت مستقر نتوانند رضایت عینی، ملموس و اقتصادی مردم را جلب کنند، خیابان بار دیگر میزبان کسانی خواهد بود که چیزی برای دست دادن ندارند. ترس امروز پزشکیان، آینده تمام نمای آینده ای است که اگر امروز برای اصلاح اقدام نشود، فردا بسیار دیر خواهد بود."

در این میان اقدامات مذبحخانه ای هم از سوی مزدوران حکومت اسلامی شکل

جمهوری اسلامی سرنگون!

تداوم کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام، تجمع نانوایان بجنورد و اخباری دیگر



سراوان در اعتراض به عدم پرداخت بیش از دو ماه حقوق و مطالبات خود تجمع کردند. به گفته این کارگران، با وجود ادامه کار پروژه و حضور روزانه کارگران، شرکت از پرداخت دستمزدها خودداری کرده و هیچ زمان مشخصی برای تسویه مطالبات اعلام نشده است.

اعتراض مالباختگان شرکت ارزفروش "فردادکار آمیتیس"

روز ۲۵ خرداد مالباختگان شرکت ارز فروش "فردادکار آمیتیس" در اعتراض به از دست دادن اندوخته هایشان در برابر دادسرای تهران تجمع کردند. تجمع کنندگان شعار میدادند: "شش ساله که دودیم، عدالتی ندیدیم!". بنا بر گزارشات اکبر داداشی، مدیر کلاهبردار شرکت، با همکاری نهادهای حکومتی و قوه قضائیه پول هزاران تن را غارت کرده و فراری شده است. چپاول و رانت خواری یک رکن اساسی حاکمیت جمهوری اسلامی است و جنبش مالباختگان جنبشی قوی در سطح جامعه علیه این اختلاسگری‌ها است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ خرداد ۱۴۰۵، ۱۶ ژوئن ۲۰۲۶

کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در هفته صدویست و پنجم

امروز سه شنبه ۲۶ خرداد کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام در هفته ۱۲۵ در ۵۶ شهر کشور جریان یافت. اعضای این کارزار در بیانیه هفتگی خود با اشاره به سرکوبگرهای وحشیانه حکومت و اعدام بیش از ۱۷۷ زندانی از آغاز سال جاری و تداوم این سرکوبگرها، بر تداوم سه شنبه‌های نه به اعدام تأکید کرده و مینویسند: "ما اعضای کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» خواهان توقف سریع اعدام‌ها هستیم و از همه وجدان‌های بیدار و فعالان سیاسی، حقوق بشری، مدنی، صنفی و... می‌خواهیم به هر شکل ممکن اعدام‌ها را محکوم کرده و برای توقف آن دست به اقدامی جدی بزنند. تحقق آزادی، برابری و حفظ کرامت انسانی بدون تحقق حق حیات انسان‌ها ممکن نیست. ما به تمام مخالفان اعدام برای در هم شکستن ساختار استبدادی و چرخه سلب حیات انسانی فراخوان هم‌بستگی و عمل متحدانه می‌دهیم."

اعتراض نانوایان بجنورد! روز گذشته ۲۵ خرداد نانوایان بجنورد در اعتراض به گرانی‌ها و هزینه‌های سنگین و کاهش سهمیه آرد و عدم پرداخت یارانه در برابر استانداری خراسان جنوبی در بجنورد تجمع کردند. در همین رابطه قبلا نیز نانوایان در مشهد تجمع داشتند.

اعتراض رانندگان اسنپ در شیراز

روز گذشته ۲۵ خرداد سواره‌ی رانندگان موتورسیکلت شرکت «اسنپ» (برای دومین روز متوالی، در اعتراض به هزینه‌های سنگین، درآمد کم، کمیسیون بالا، حذف سهمیه‌ی سوخت، نداشتن بیمه دست از کار کشیده و با راهپیمایی صدای اعتراضشان را بلند کردند.

تجمع کارگران شرکت تولید پنل خورشیدی

روز ۲۵ خرداد کارگران شاغل در پروژه نصب پنل‌های خورشیدی شمس‌آباد

اعتراض کشاورزان گرمسار و آرادان و خبری دیگر

اعتراض کشاورزان گرمسار و آرادان: آب شرب نداریم!

امروز چهارشنبه ۲۷ خرداد ده‌ها تن از کشاورزان گرمسار و آرادان به همراه خانواده‌های خود در اعتراض به بی‌آبی و عدم دریافت حق‌آبه و خلف وعده‌ها دست به تجمع زدند. مشکل آب در این منطقه علاوه بر کشاورزان، برای شهرونده نیز زنجیره‌ای از بحران‌های صنعتی، زیست‌محیطی و درمانی ایجاد کرده است.

در این تجمع معترضین برهائی در دست داشتند که بر روی آنها موضوعات اعتراضاتشان نوشته شده بود. مضمون این بنرها عبارت بودند از: "حق‌آبه حق مسلم ماست"، "آب شرب حق ماست"، "آب سالم، حق مسلم مردم گرمسار"، "بیماری‌های ناشی از آب شور و آلوده یعنی تحمیل بار مضاعف به شبکه درمان"، "بیماری‌های پوستی، کلیوی، چشمی و گوارشی؛ سهم مردم گرمسار از عدم توزیع عادلانه حق‌آبه جبهه‌رود"، "وزارت نیرو! اجرای عدالت و حق ما کجاست؟"،

یورش سرکوبگران حکومت به مردم معترض روستای پشموکی فاریاب

امروز چهارشنبه ۲۷ خردادماه، گروهی از زنان و دیگر ساکنان روستای پشموکی فاریاب، برای دومین روز متوالی در اعتراض به نحوه واگذاری و بهره‌برداری از معدن کرومیت پشموکی، دست به تجمع زدند. بنا بر خبرها این حرکت اعتراضی مردمی با یورش وحشیانه ماموران نیروی انتظامی روبرو شد. در جریان این حمله ددمنشانه سرکوبگران حکومت با استفاده از باتوم، مشت و لگد شماری از زنان را مورد

قطار مسیر شمال به تهران در ایستگاه، به دلیل تجمع اعتراضی مردم شهرستان‌های گرمسار و آرادان متوقف شد.



ضرب و شتم قرار دادند. در ویدیوهای منتشر شده از این یورش وحشیانه افراد مسلح به سلاح گرم مشاهده می‌شوند و صدای تیراندازی نیز به گوش می‌رسد. طبق گزارشات منتشر شده در جریان این سرکوبگری دست‌کم هفت زن مجروح و شش شهروند از جمله سه زن، بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل گردید.

حزب کمونیست کارگری حمله جنایتکاران جمهوری اسلامی به مردمی که در اعتراض به مشکلات معیشتی خود دست به تجمع و اعتراض می‌زنند را شدیداً محکوم کرده و بر آزادی فوری معترضین بازداشتی روی پشموکی فاریاب تأکید میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ خرداد ۱۴۰۵، ۱۷ ژوئن ۲۰۲۶

در دفاع از پرستو احمدی و همکارانش! شلاق جنایتکاران هم نجاتشان نخواهد داد!



رژیم در جنگ بر سر حجاب شکست مفتضحانه‌ای خورده و با هیچ درجه سرکوبی قادر به بازگرداندن جامعه به قبل از انقلاب زن زندگی آزادی نیست. حکم دستگاه قضایی رژیم در قم علیه پرستو و همکارانش را نیز باید به شکست دیگری برای حکومت مستاصل اسلامی تبدیل کنیم. متحدانه و به هر شیوه ممکن باید جلوی اجرای این احکام وحشیانه ایستاد و خواهان ملغای آن و به دور انداختن پرونده قضایی علیه پرستو و همکارانش بشویم. آوازخوانی زنان و بی‌حجابی حق بی‌چون و چرای زنان و کل جامعه است.

ما در حزب کمونیست کارگری در کنار پرستو و دست‌اندرکاران «کنسرت کاروانسرا» ایستاده‌ایم، صدور احکام شنیع شلاق علیه آنها را قویا محکوم می‌کنیم و همه مردم آزاده و همه تشکلهای مردمی در داخل و خارج کشور را به حمایت از آنها و اعتراض علیه حکومت تبهکار اسلامی فرامی‌خوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ خرداد ۱۴۰۵، ۱۸ ژوئن ۲۰۲۶

پرستو احمدی و هشت نفر دیگر از دست‌اندرکاران و نوازندگان «کنسرت کاروانسرا» از جمله احسان بیرقدار، سهیل فقیه‌نصیری، امین طاهری و امیرعلی پیرنیا در بیدادگاهی در قم به ۷۴ ضربه شلاق تعزیر به اتهام "جریحه‌دار کردن عفت عمومی از طریق تولید و انتشار محتوای مبتذل و خلاف اخلاق در بستر فضای مجازی" به ۷۴ ضربه شلاق تعزیری، دو سال دو سال ممنوعیت از فعالیت هنری و دوسال ممنوع الخروجی محکوم شدند.

پرستو احمدی در مورد ویدیوی این کنسرت مجازی که در آذر ۱۴۰۳ منتشر شد و با استقبال گرم مردم و محبوبیت این گروه مواجه شد، در کانال یوتیوب خودش نوشته بود: "من پرستو، دختری که می‌خواهم برای مردمی که دوستشان دارم بخوانم. این حق است که نمی‌توانستم از آن چشم‌پوشم." از حق پرستو و سایر زنان برای آوازخوانی و بی‌حجابی باید دفاع کرد. این یکی از بنیادی‌ترین حقوق خدشه‌ناپذیر زنان است.

این حکم قرون وسطایی اسلامی ادامه جنگ ۴۷ ساله حکومت با هنر و هنرمند مردمی و با مردم معترض است. جنگی که نه آتش‌بس دارد نه تفاهم و مذاکره. این حکم در کنار اعدام‌های هر روزه، بازداشت و زندانی کردن هر روزه معترضین، ضرب و شتم زنان معترض و ستم‌دیده بلوچ، تحمیل فقر و فلاکت و بیکاری میلیونی، بار دیگر این حکم مردم معترض را که "دشمن ما همینجاست، دروغ می‌گن امریکاست" تاکید میکند.

تجمع اعتراضی کارکنان حوزه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین و دور جدید اعتراضات دانش‌آموزان



دانشگاه علوم پزشکی قزوین

امروز سی ام خرداد کارکنان حوزه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین در اعتراض به مشکلات معیشتی، وضعیت حقوق و مطالبات پرداخت‌نشده و تعطیل نبودن پنجشنبه‌ها در مقابل ستاد وزارت بهداشت دست به تجمع زدند و خواهان پاسخگویی به مطالبات خود شدند.

دور تازه اعتراضات دانش‌آموزان

امروز سی ام خرداد ماه دور تازه اعتراضات دانش‌آموزان در شهرهایی از جمله شیراز، تهران، مشهد و ارومیه به جریان افتاد. دانش‌آموزان خواهان تعویق امتحانات شده‌اند. مشکلات متعدد آموزشی و فشارهای روحی دوره اخیر بر روند آمادگی دانش‌آموزان برای امتحانات تأثیر گذاشته و دانش‌آموزان خواهان تعویق امتحانات و برگزاری آن بعد از اربعین هستند.

دور قبلی اعتراضات در بیش از شانزده شهر در شانزده خرداد ماه برگزار شدند و در مقابل آن دولت ناگزیر به برخی عقب‌نشینی‌ها شد. اعتراضات دانش‌آموزان یکی از اتفاقات مهم در فضای اعتراضی جامعه بعد از جنگ سی و نه روزه است و در آن خانواده‌های دانش‌آموزان نیز دخالتگر بودند. دانش‌آموزان شعار میدادند: "محصل داد بزن حق‌تو فریاد بزن".

طبق گزارشات در مشهد پلیس سرکوبگر حکومت تعدادی از دانش‌آموزان را به داخل ساختمان‌های برده و در را به روی آنها بست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ خرداد ۱۴۰۵، ۲۰ ژوئن ۲۰۲۶

"محصل داد بزن حق‌تو فریاد بزن".

تجمعات اعتراضی بازنشستگان در چندین شهر و اخباری دیگر



تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در چندین شهر

امروز ۳۱ خرداد بازنشستگان تامین اجتماعی در چندین شهر اهواز، تهران، مشهد، شوش، اراک و دزفول برای پیگیری خواسته‌های خود و در اعتراض به افزایش سرسام آور هزینه‌های زندگی و وخیم تر شدن وضع معیشتی شان در مقابل این سازمان تجمع کردند. در شوش بازنشستگان از شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش تجمع و راهپیمایی کردند. معترضین شعار میدادند: "تورم اسفبار حاکم شده بر بازار"، "نه جنگ می‌خواهیم، نه کشتار؛ رفاه می‌خواهیم ماندگار"، "حقوق ما ریا، بیهی، برق دلاریه"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "حقوق نصفه نیمه، سکوت کنی همینه"، "لبنانورها کن، فکری به حال ما کن".

در تهران بازنشستگان معترض مقابل سازمان تامین اجتماعی تجمع داشتند و با شعارهای کوبنده خود اعتراضات خود را بیان میکردند. از جمله شعار میدادند: "نان گران، دارو گران، دولت شده دشمن جان"، "از غارت بیمه‌ها، درمان شده درد ما"، "بنیادهای بی‌خاصیت حق ماها رو خوردن"، "سفره‌ی میدری، حاصل دسترنج ماست"، "سالاری جیره‌خوار، استعفا استعفا"، "کنترل تورم حق مسلم ماست"، و "بدهی‌های دولت، به سازمان پرداخت باید گردد".

بازنشستگان در تهران با شعارهای اعتراضی خود دولت و مقامات دزد و چپاولگر حاکم را به چالش کشیدند. خواسته‌های فوری بازنشستگان عبارتند از: پرداخت فوری معوقات، به‌ویژه معوقات ناشی از طرح‌های همسان‌سازی/متناسب‌سازی حقوق سال‌های گذشته، افزایش و همسان‌سازی کامل حقوق با شاغلین یا سایر بازنشستگان برای جبران کاهش قدرت خرید، بهبود کیفیت خدمات بیمه درمان و رفع مشکلات

مربوط به پرداخت هزینه‌ها، -افزایش و تسریع در ارائه خدمات رفاهی، مانند وام‌های کم‌بهره

افزایش حقوقها به بالای نرخ سبد معیشتی هفتاد میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به سرکوب و زندان و جنگ افروزیهای حکومت بساط چپاولگری‌های حاکم، مطالبات اصلی بازنشستگان است که در شعارهای اعتراضی آنان بازتاب دارد. بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه هستند.

تجمع اعتراضی کارگران بهشت زهرا

روز یکشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۵، جمعی از کارگران حفر قبور و فضای سبز بهشت زهرا تهران با توقف کار و برگزاری تجمع اعتراضی مقابل ساختمان مدیریت، اعتراض خود را به حذف بخشی از مزایای مزدی شان اعلام کردند. خواست آنها بازگرداندن فوری مزایای مزدی حذف شده و توقف تهدیدهای شغلی و بهبود وضعیت نیروهای پیمانکاری و رفع شکاف مزدی و به رسمیت شناختن سختی کار آنهاست. به گفته معترضین در هفته‌های اخیر پرداخت اضافه کاری، مزایای کار در روزهای تعطیل، مرخصی‌ها و دیگر مزایای مزدی که تا حدود چهار میلیون تومان از دریافتی آنان را تشکیل می‌داد، حذف یا کاهش یافته است. حکومت اسلامی تلاش میکند با تعرضات معیشتی خود هزینه‌های جنگ افروزیها و سرکوبگریهایشان را به دوش بخشهای مختلف مردم بیندازد و مقابله با آن یک موضوع اعتراضات جاری است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ خرداد ۱۴۰۵، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۶

زندان، چماق سرکوب برای هر صدای اعتراض است.

۳۰ خرداد، برابر با ۲۰ ژوئن یادآور سرکوب و کشتار از دهه شصت تا قتل ندا آقا سلطان و جانباختگانی که به جرم آزادیخواهی کشته شدند. زندان، چماق سرکوب برای هر صدای اعتراض است.

یکصدا باهم به مناسبت روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی، خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی-عقیدتی هستیم.

"ندای زنان ایران" ضمن حمایت از تمام تلاشها و مبارزات تشکلهای سازمان‌های حمایت از زندانیان سیاسی، خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی در ایران می‌باشد برگرفته از مدیای اجتماعی.



زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

بیانیه

وقتی ۹۰ درصد درآمد
مزدبگیران صرف غذا می‌شود،

فقر یک آمار نیست؛
یک فاجعه اجتماعی است.



شورای هماهنگی تشکلهای صنفی
صنفی فرهنگیان ایران

۳۰ خرداد ۱۴۰۵



مردم محله ایجاد کرده که با اعتراض وسیع آنان روبرو شده است. این موضوع مورد اعتراض مردم محل قرار گرفته و در نتیجه نهادهای دست اندر کار ناگزیر به عقب نشینی شدند. از جمله معاون محیط زیست انسانی اداره کل حفاظت محیط زیست فارس، اعلام کرد که مجوزهای صادر شده برای این مجموعه لغو شده و اینکه در شرایط فعلی نباید هیچگونه فعالیتی در این محل انجام شود. و اینکه در شرایط فعلی نباید هیچگونه فعالیتی در این محل انجام شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ خرداد ۱۴۰۵، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۶

بیانیه اعتراضی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران و خبری دیگر

بیانیه اعتراضی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران
شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران طی بیانیه ای اعتراض خود را به تشدید بحران معیشتی و گسترش محرومیت آموزشی اعلام کرده است. در بخشی از این بیانیه ضمن اشاره به افزایش سرسام آور نرخ سبد معیشتی کل جامعه و مشکلات معیشتی مردم چنین آمده است: "این وضعیت تنها یک بحران اقتصادی نیست؛ بلکه نشانه فروپاشی تدریجی امنیت معیشتی میلیون ها خانواده است. هنگامی که خانواده ها از تأمین نیازهای اولیه خود ناتوان می شوند، نخستین قربانیان این وضعیت کودکان هستند. گسترش فقر و نابرابری به افزایش ترک تحصیل و بازماندگی از آموزش انجامیده و صدها هزار کودک را از حق آموزش محروم کرده است."

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در ادامه بیانیه ضمن هشدار نسبت به پیامدهای فقر فزاینده و تخریب آموزش عمومی، برخواستهای فوری تاکید کرده است که عبارتند از: "ترمیم فوری حقوق و دستمزدها متناسب با نرخ واقعی تورم و هزینه های زندگی؛ اجرای کامل تعهدات دولت در قبال فرهنگیان، کارگران، بازنشستگان و پرستاران، افزایش سهم آموزش عمومی از بودجه کشور و توقف کالایی سازی آموزش؛ تدوین برنامه ای فوری برای بازگرداندن کودکان بازمانده از تحصیل به مدارس؛ تضمین حق تشکلهای مستقل و مشارکت نمایندگان صنفی در تصمیم گیری ها؛ اتخاذ سیاست های مؤثر برای مهار تورم، کاهش نابرابری و حمایت از اقشار مزدبگیر."

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگی در خاتمه مینویسد: "ما بر این باوریم که دفاع از معیشت معلمان، کارگران بازنشستگان و پرستاران و دفاع از حق آموزش کودکان، دو مطالبه جداگانه نیستند، بلکه اجزای یک خواست مشترک برای عدالت اجتماعی، کرامت انسانی و آینده ای بهتر برای جامعه ایران اند."

افزایش حقوقها به بالای نرخ سبد معیشتی ۷۰ میلیونی و متناسب با رشد نرخ تورم، درمان رایگان، تحصیل رایگان و غیر ایدئولوژیک و پایان دادن به کالایی و طبقاتی بودن آموزش، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی و توقف اعدامها، پایان دادن به جنگ افروزی های حکومت و بساط چپاول و غارت آن از جمله خواستهایی است که معلمان همواره در بیانیه و اعتراضات میدانی خود بر آنها تاکید کرده اند.

لغو مجوز سایت پسماند در نتیجه اعتراضات مردم در شیراز!
استقرار یک مجموعه انتقال و تفکیک پسماند در نزدیکی منطقه مسکونی در محدوده بلوار تخت جمشید شیراز مشکلات بهداشتی و زیست محیطی جدی برای

تورکمن عالم
(جهت یاهست)
فرکانس ۱۰۸۴۵
عمودی ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۲/۳

یوتل ست
فرکانس ۱۱۳۸۷
افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون
کانال جدید

KANAL جدید
کانال جدید

اعتراضات گسترده دانش آموزان، تجمع بازنشستگان مخابرات در سنندج



اعتراضات گسترده دانش آموزان

تجمعات و تظاهرات دانش آموزان در اعتراض به تصمیمات وزارت آموزش و پرورش و "شورای عالی انقلاب فرهنگی" جمهوری اسلامی در مورد شیوه برگزاری امتحانات نهایی و تأثیر قطعی معدل پایه یازدهم در کنکور سراسری ۱۴۰۵ و دیگر سیاستهای مخرب آموزشی حکومت صورت میگیرد.

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات کردستان

تجمعات بازنشستگان مخابرات از سر گرفته میشود. امروز یکم تیرماه این بازنشستگان در سنندج در اعتراض به بدتر شدن وضع معیشتی خود و عدم پرداخت مطالبات معوقه، اجرای ناقص آیین نامه ۲۴/۸۹ و وضعیت نابسامان بیمه تکمیلی دست به تجمع زدند. یک موضوع اعتراض بازنشستگان مخابرات چپاولگریهای ستاد اجرایی فرمان امام و کنسرسیوم اعتماد مبین (وابسته به سپاه) است. درمان رایگان یک خواست سراسری بازنشستگان است. در تجمع روز گذشته بازنشستگان تامین اجتماعی در تهران بازنشستگان مخابرات نیز شرکت داشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ تیر ۱۴۰۵، ۲۲ ژوئن ۲۰۲۶

بازنشستگان مخابرات در این روز در اهواز و تهران نیز تجمع داشتند.

امروز یکم تیرماه بار دیگر دانش آموزان در شهرهای مختلف دست به تجمع و اعتراض زدند. طبق آخرین گزارشات تاکنون این تجمعات در شهرهای ایلام، خرم آباد، شهرکرد، ارومیه، کرمان، تهران، یزد و شیراز برگزار شده اند. اعتراض دانش آموزان به تعویق امتحانات و قانون «تأثیر قطعی معدل» (و خلف وعده های مسئولان آموزشی دست به تجمع زدند. در این اعتراضات خانواده ها نیز حضور دارند.

در تهران دانش آموزان مقابل متروی فردوسی جمع شدند و به سمت وزارت آموزش و پرورش حرکت کردند. در شهر کرد و خرم آباد دانش آموزان مقابل درب استانداری تجمع داشتند و در خرم آباد خانواده های دانش آموزان نیز حضور داشتند. در ایلام تجمع دانش آموزان در مقابل آموزش و پرورش برگزار شد. در کرمان نیروی انتظامی وارد شده و مانع ادامه تجمع دانش آموزان شدند. در رابطه با همین موضوع در سی ام خرداد ماه دانش آموزان در مشهد، اصفهان، خرم آباد، تهران، شیراز، اهواز، ارومیه و کرمانشاه تجمع برپا کردند. اعتراضات سراسری قبلی دانش آموزان در شانزدهم خرداد ماه در هفده شهر صورت گرفت. اعتراضات دانش آموزان یکی از اعتراضات مهم بعد از جنگ ۳۹ روزه است. در روز یکم تیرماه دانشجویان چهار محال بختیاری نیز در اعتراض به وضع بد معیشتی و آموزشی خود در مقابل استانداری تجمع داشتند.

در حمایت از پرستو احمدی و همکارانش؛ شلاق، سلاح حکومت علیه زنان و انقلاب زن زندگی آزادی



هراسی دانست که جمهوری اسلامی از قدرت زنان و از تأثیرات ماندگار انقلاب زن، زندگی، آزادی دارد. حکومتی که از صدای یک خواننده، از موی یک زن و از حضور مستقل زنان در عرصه عمومی احساس تهدید می کند، بیش از هر چیز از شکسته شدن نظم تبعیض آمیزی هراس دارد که بقای خود را بر آن بنا

کرده است. تشکل انقلاب زنانه صدور حکم شلاق برای پرستو احمدی و همکارانش را به شدت محکوم می کند و ضمن تأکید بر لغو فوری و بی قید و شرط آن، اعلام میدارد زنان ایران و انقلاب زن، زندگی، آزادی با شلاق، زندان و محرومیت متوقف نخواهند شد. زنان ایران در صف مقدم جامعه ای که نه قاطع را به حکومت آپارتاید جنسیتی فریاد کرده است نشان داده که هرچه سرکوب خشن تر و گسترده تر شده، مبارزه زنان انقلابی تر، گسترده تر و ریشه دارتر شده است.

تشکل انقلاب زنانه- ۲۸ خرداد ۱۴۰۵ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

صدور حکم ۷۴ ضربه شلاق، دو سال ممنوعیت از فعالیت هنری و دو سال ممنوع الخروجی برای پرستو احمدی و هشت نفر از نوازندگان و دست اندرکاران «کنسرت کاروانسرا»، بار دیگر چهره واقعی دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی را آشکار کرده است؛ دستگاهی که در برابر ابتدایی ترین اشکال آزادی زنان و بیان هنری، تنها زبان مجازات، ممنوعیت و خشونت را می شناسد.

پرستو احمدی به دلیل خواندن، به دلیل حضور بدون حجاب و به دلیل استفاده از حق طبیعی خود برای آفرینش هنری با مجازات شلاق روبه رو شده است. حکمی که متوجه تمامی زنانی است که در سال های اخیر علیه کنترل بر بدن، صدا و زندگی خود ایستاده اند.

شلاق، این مجازات قرون وسطایی در جمهوری اسلامی ابزاری سیاسی برای ایجاد ترس و تحمیل اطاعت است. همان حکومتی که چندی پیش شلاق را علیه زنان به بهانه ندانستن حجاب به کار گرفت، امروز آن را علیه زنانی به کار می برد که صدای خود را بلند کرده اند. از خیابان تا صحنه هنر، از مقاومت علیه حجاب اجباری تا آواز خواندن یک زن، هدف یکسان است: خاموش کردن زنان.

صدور این احکام را باید در امتداد زن ستیزی و آپارتاید جنسیتی ساختارمند و

ادامه فشارهای امنیتی بر روی معلمان و دستگیریه‌ها و احضارها



- طبق گزارشات منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان یوسف امینی، معلم بازنشسته اهل بوکان، شامگاه ۲۳ خرداد ۱۴۰۵ با یورش نیروهای وزارت اطلاعات به منزل خانوادگی‌اش در محله علی‌آباد این شهر بازداشت شد.

- علی‌مرداسی یکی از معلمان زندانی در زندان شیبان اهواز است که حکم اعدام او از سوی دیوان عالی کشور به همراه دو زندانی دیگر به اسامی مسعود جامعی، فرشاد اعتمادی‌فر، سه زندانی سیاسی محبوس در زندان شیبان اهواز تایید شده است. مرداسی سال‌ها در عرصه آموزش فعالیت داشته، پیش‌تر همراه با دو متهم دیگر در شعبه یک دادگاه انقلاب اهواز به ریاست قاضی ادیبی‌مهر، از بابت اتهامات «افساد فی‌الارض»، «عضویت در گروه‌های باغی (و) «تبلیغ علیه نظام» (به دو بار اعدام و یک سال حبس محکوم شده بود. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن گزارش این خبر با محکوم نمودن فضای ارباب، سرکوب و اعدام به ویژه پس از جنگ، خواهان توقف صدور و اجرای احکام اعدام شده و از تمام مخالفان اعدام خواستار تلاش برای لغو حکم اعدام این معلم زندانی شده است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی همصدا با شوراهای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان بر اعتراضی سراسری برای لغو حکم اعدام علی‌مرداسی و توقف اعدام و لغو مجازات اعدام و پایان دادن به سرکوبگریهای حکومت و ادامه این بساط کشتار و جنایت تاکید دارد. احکام صادره برای معلمان معترض باید فوراً لغو و تمامی معلمان و معترضین زندانی و همه زندانیان سیاسی بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۵ خرداد ۱۴۰۵، ۱۵ ژوئن ۲۰۲۶

<https://free-them-now.com/>

جمهوری اسلامی در ادامه سرکوب سراسری اعتراضات، به دستگیری‌ها و احکام امنیتی علیه معلمان معترض شدت داده است. هم اکنون شمار زیادی از معلمان، زندانی یا محکوم به زندان هستند. اسامی شماری از آنها بدین قرار است:

- ایمان شهوندی معلم شعبه یک پاسارگاد در استان فارس در ۲۹ اردیبهشت ماه بصورت غیابی به یکسال حبس محکوم شد. بنا بر گزارشات در هشتم فروردین ماه شعبه ی یک دادیاری شهرستان پاسارگاد با گزارش ناحیه ی مقاومت بسیج با اتهام تبلیغ علیه نظام برای وی پرونده ای امنیتی تشکیل داد. سپس در ۱۶ فروردین و علیرغم دفاعیه نامبرده پرونده ی وی به شعبه ی یک دادگاه انقلاب شیراز ارجاع و در ۲۹ اردیبهشت ماه به شکل غیابی به یکسال حبس محکوم و این حکم در سامانه ثنا اعلام شد. ایمان شهوندی قبلاً نیز در سال ۱۴۰۰ به جرم تبلیغ علیه نظام محکوم به کیفر مالی و در سال ۱۴۰۲ به یکسال انفصال از خدمت محکوم شده بود. او هم اکنون با قرار کفالت آزاد است و در خطر بازداشت برای اجرای حکم زندان خود قرار دارد.

- مهدی فتحی از اعضای انجمن صنفی معلمان فارس پس از تحمل ۲ سال حبس از محکومیت ۵ ساله پیشین خود، هم اکنون با پابند الکترونیک در حبس خانگی به سر می برد. مهدی فتحی قبل از جنگ با تشکیل پرونده جدید با اتهام تبلیغ علیه نظام احضار و پس از تفهیم اتهام با قرار کفالت آزاد شد. و پس از چندین ماه در پرونده جدیدی به ۱۵ ماه حبس محکوم شد.

- بر اساس گزارش‌های منتشر شده، مسعود فرهیخته، از معلمین معترض که از ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ از پی تأیید حکم صادره از سوی شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان البرز، دوران محکومیت سه سال و شش ماه و یک روز حبس خود را در زندان مرکزی کرج سپری می‌کند، با پرونده‌سازی جدیدی مواجه شده است. مسعود فرهیخته هم‌زمان با تحمل دوران حبس، با گشایش دو پرونده جدید از سوی نهادهای قضایی روبه‌رو شده است و مقرر است روز هفتم تیرماه در شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج مورد محاکمه قرار بگیرد.

- فروغ خسروی، معلم مقطع ابتدایی شاغل در مدارس آغاچاری، با حکم «لغو پیمان» از آموزش و پرورش اخراج شده است. او پیش‌تر به ۴ ماه انفصال موقت از خدمت محکوم شده بود.

- طبق اخبار منتشر شده علی احمدی، از معلمان بازنشسته و زندانی محبوس در زندان عادل‌آباد شیراز، با وجود ابتلا به بیماری‌های متعدد از جمله مشکلات قلبی و نیاز فوری به عمل جراحی چشم، همچنان از دسترسی به خدمات درمانی تخصصی محروم مانده است. بنا بر گزارشات برای این معترض زندانی نوبت عمل چشم در تاریخ ۲۷ خردادماه تعیین شده بود، اما تاکنون مجوز اعزام درمانی وی صادر نشده است. علی احمدی ۷۶ سال سن دارد و از اسفند ماه گذشته در زندان است.

- قرار بازداشت سیامک صادقی چهارزی، از معلمان معترض در استان خوزستان، برای سومین ماه متوالی تمدید شده است. سیامک چهارزی بیش از دو ماه است که در زندان بسر میبرد.

- محمدعلی زحمتکش، از معلمان زندانی استان فارس، از فروردین‌ماه سال جاری تاکنون در بازداشت «موقت» به سر می‌برد و همچنان در وضعیت بلا تکلیف قرار دارد. ادامه بازداشت محمد علی زحمتکش موجب نگرانی خانواده و همکاران او شده است.

سخنرانی شهلا دانشفر در کنفرانس ۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران



تشدید سرکوبها و کشتارهاست.

هم اکنون زندانها مملو از معترضین جامعه حتی کودکان و نوجوانان است. بسیاری از زندانیان با خطر اعدام روبه‌رو هستند. باید به نجاتشان شتافت ما امروز بیستم ژوئن صدای میلیون‌ها انسان دادخواه در ایران هستیم. صدای مردمی که از فقر، سرکوب، تبعیض و نابودی معیشت به ستوه آمده‌اند. هم اکنون اعتراضات بخشهای مختلف جامعه دارد دوباره سر بلند میکند. در این نشست بر راهکارهایی برای قدرت بخشیدن به مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه سرکوب و اعدام داده شد و من با همه آنها هم نظرم. ضمن اینکه بر نکات مشخص دیگری چه در داخل ایران و چه در خارج کشور تاکید دارم. کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام بلاوقفه ادامه داشته و شعارهای اعتراضی مردمی مهر تاییدی بر پیمان آوریل علیه اعدام و زندان است. همچنان در تقویت این کارزار تلاش کنیم. در سطح میدانی خانواده‌های دادخواه و معترضین زندانی، بازنشستگان، معلمان، کارگران، دانشجویان از جمله نیروهای مهم این جنبش هستند و من با اتحاد مبارزاتی آنها برای بازکردن در زندانها و جمع کردن بساط اعدام و سرکوب تاکید دارم. شعارهای اعتراضی میدانی علیه اعدام‌ها بویژه از سوی بازنشستگان و معلمان و بخش‌های مختلف جامعه باید سراسری تکثیر شود و بر در و دیوار نقش ببندد. پیمان آوریل علیه زندان و اعدام را به پیمان نامه کل جامعه تبدیل کنیم.

ما امروز گرد هم آمده‌ایم تا با اعلام حمایت قاطع خود از تمامی زندانیان سیاسی بر آزادی فوری و بی‌قیدوشرط آنها و بر لغو مجازات اعدام و توقف فوری همه اعدام‌ها تأکید کنیم. فشاری باشیم بر روی دولتهای جهان برای بایکوت همه جانبه جمهوری اسلامی و محاکمه تک تک سران آن بخاطر همه جنایاتشان.

اعتراض متحد، سراسری و قدرتمند مردم در داخل و خارج از ایران علیه سرکوب، زندان و اعدام، حلقه‌ای مهم در مسیر دستیابی به آزادی و تحقق آرمان‌های جنبش زن، زندگی، آزادی است. آزادی زندانیان سیاسی همچنین تضمین کننده آزادی‌های سیاسی و پیش‌شرط هر گشایش واقعی سیاسی در ایران است. ما برای گسترش و تقویت این صف مبارزاتی تلاش خواهیم کرد و امروز با صدایی رسا اعلام می‌کنیم: زندانی سیاسی آزاد باید گردد! نه به اعدام! زن، زندگی، آزادی! از مدیای اجتماعی

سلام و درود به همه حاضران در این کنفرانس و عزیزی که به‌صورت آنلاین در این نشست شرکت دارند و نیز مباحث را دنبال می‌کنند.

امروز، بیستم ژوئن، روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران است؛ روزی مهم برای همه ما و دستاوردی ارزشمند در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی.

امروز در شرایط ویژه‌ای این روز اعتراضی را برگزار میکنیم. ما خیزش مردمی دیماه ۱۴۰۴ را داشتیم علیه فقر، بی‌تامینی، بساط چپاول و استثمار و علیه سرکوب و کشتار و جنگ‌افروزیهای حکومت. حکومت معترضین را قتل عام کرد چون دید دارد سرنگون میشود. در جریان این نسل کشی هزاران نفر به قتل رسیدند، هزاران نفر دستگیر. این دستگیریه‌ها و اعدام و شکنجه و آزار معترضین همچنان ادامه دارد.

سیاست‌های ویرانگر اقتصادی و جنگ‌طلبانه، زندگی میلیون‌ها نفر را دشوارتر کرده و حکومت می‌کوشد هزینه‌های سرکوب و جنگ‌افروزیهایش را از سفره مردم تأمین کند. این وضعیت جامعه را به نقطه‌ای انفجاری رسانده است.

حکومت در سایه جنگ، سرکوب را تشدید کرد تا از شکل‌گیری دوباره اعتراضات مردمی جلوگیری کند. تفاهم نامه حکومت اسلامی با آمریکا فضای جدیدی از مقابله مردم با حکومت را ایجاد میکند. و در شرایط انفجاری جامعه هراس حکومت از برآمد دوباره اعتراضات مردمی بیشتر شده و بازهم بر فشارها و سرکوب‌ها یش شدت خواهد داد. همین الان حکم شلاق پرستو احمدی و همکارانش را دیدیم. سرکوب، زندان، اعدام امروز به ابزار اصلی مقابله حکومت با مردم تبدیل شده است. طی چند ماهه اخیر شمار زیادی از معلمان، فعالان کارگری، بازنشستگان، دانش‌آموزان، دانشجویان و دیگر فعالان اجتماعی و سیاسی بازداشت شده‌اند. یاسر احمدی‌نژاد، کارگر و نماینده مستقل کارگران شرکت ملی حفاری نفت، به دلیل پیگیری مطالبات کارگران اکنون در زندان است. او در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ و همین‌طور ۱۴۰۴ بازداشت شد. ۳۳ ماه حکم زندان دارد. دو نهاد کارگری شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و ارکان ثالث برای آزادی او بیانه دادند و تلاش برای آزادی یاسر احمدی نژاد یک کارزار مهم فری دم ناو است.

فشارهای امنیتی علیه معلمان افزایش یافته. در همین روزها ایمان شهوندی در استان فارس ۱ سال حکم زندان گرفت، مسعود فرهیخته از شهریور ۱۴۰۴ زندانی است و اکنون با پرونده‌های جدید امنیتی روبروست، مهدی فتحی بار دیگر محکوم شده است، فروغ خسروی اخراج شده است، قرار بازداشت سیامک صادقی چهارزی نیز برای سومین ماه متوالی تمدید شده است. همچنین حکم اعدام علی مرداسی معلم زندانی در شیپان اهواز و دو زندانی دیگر، مسعود جامعی و فرشاد اعتمادی‌فر، تأیید شده است. بعلاوه علی احمدی، معلم بازنشسته ۷۶ ساله، با وجود بیماری‌های متعدد از درمان محروم است. محرومیت از دارو و درمان سیاست همیشگی این حکومت و مرگ خاموش زندانی است. ولی در شرایط سیاسی امروز اقدامی در تداوم

جان‌های به اسارت کشیده‌مان را آزاد کنید!



و لغو احکام اعدام هستیم. ۳۰ خرداد (۲۰ ژوئن) روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی را به روز همبستگی و اتحاد برای آزادی همه زندانیان سیاسی بدل کنیم.

امضا: دادخواهان، نهاد اعدام نکنید- ۲۸ خرداد ۴۰۵

حکومت به ظلم و جور، زندانیان سیاسی را به بند کشیده است. حاکمانی که پاسخی جز کشتار، زندان و اعدام در برابر اعتراض به حق ما ندارند. انسانها را به جرم اعتراض و آزادی بیان و عقیده به بند می‌کشد. تحت احکام حبس‌های طولانی و اعدام قرار می‌دهد تا آزادانه به چپاول و غارت خود ادامه دهد و هر صدای اعتراض را خفه کند.

هیچ انسانی نباید به جرم اعتراض و بیان اندیشه و عقیده و نظراتش به زندان بیفتد. هر زندانی سیاسی تکه‌ای از جان همه ماست که به بند کشیده شده است. ما دادخواهان، ما مخالفان اعدام خواهان آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و توقف

دستگیری ها در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۴ و در دوره جنگ در اصفهان و آذربایجان غربی:



۴۰۴۴ پرونده مرتبط با اعتراضات، ۴۰۶ پرونده جنگ با ۵۲۰ نفر متهم. از این تعداد ۲۸۹۹ کیفرخواست صادر شده.

* اسدالله جعفری رئیس کل دادگستری رژیم در استان اصفهان گفته است سال گذشته ۴۰۴۴ پرونده در مورد اعتراضات و ۴۰۶ پرونده با ۵۲۰ نفر متهم تشکیل شد. از این تعداد ۲۸۹۹ کیفرخواست صادر شده، ۸۹۰ پرونده در مرکز استان بوده و ۱۹۷۵ پرونده منتهی به حکم قطعی شده است. در بیش از ۲۰۰۰ پرونده نیز در مراحل بدوی و کیفری یک رأی صادر شده است. این احکام شامل برائت، جزای نقدی، حبس از یک سال تا ۳۰ سال و در موارد مربوط به محاربه بوده است.

فقط همین آمار که گوشه کوچکی از دستگیری ها را نشان می دهد ابعاد جنایت حکومت را نشان می دهد. (برگرفته از مدیای اجتماعی)

وخامت جسمی آمنه بیرقداری در زندان و اعتراض مسعود فرهیخته، معلم زندانی، به گشایش پرونده امنیتی جدید علیه او



آمنه بیرقداری، معلم بازنشسته و زندانی سیاسی ۶۱ ساله، در حال سپری کردن دوران محکومیت هشت ماهه خود در زندان وکیل آباد مشهد است. وی در پی فشارهای شدید روحی و نگرانی از وضعیت بحرانی اعضای خانواده اش دچار حمله عصبی شده و از وضعیت جسمانی نگران کننده ای رنج می برد.

آمنه بیرقداری شامگاه ۱۷ دی ۱۴۰۳، در جریان یورش نیروهای امنیتی به منزلش در فریمان، به همراه دو فرزندش بازداشت شد. نهادهای امنیتی اتهام او را "لیدری اعتراضات" عنوان کرده اند. وی در نهایت به چهار سال حبس تعلیقی و یک سال حبس تعزیری محکوم شد که هشت ماه از این محکومیت به مرحله اجرا درآمده است.

همسر آمنه، علی انبایی فریمانی، معلم بازنشسته و جانباز شیمیایی جنگ، پس از بازداشت مجدد او دچار سکته مغزی شده و اکنون در کما به سر می برد. فرزندش، ایمان انبایی فریمانی، نیز به سرطان مغز استخوان مبتلاست و وضعیت جسمانی او رو به وخامت گذاشته است.

آمنه بیرقداری پیش تر در سال ۱۳۹۶ با اتهامات امنیتی بازداشت و بیش از ۲۰۰ روز را در زندان وکیل آباد مشهد سپری کرده بود. تداوم حبس او در شرایطی که نگران وضعیت همسر و فرزندش است، سلامت جسمی و روانی این معلم معترض را به شدت به خطر انداخته است. جمهوری اسلامی در قبال جان آمنه بیرقداری و خانواده اش مسئول است. آمنه بیرقداری باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

مسعود فرهیخته، از معلمان معترض، که از ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ و در پی تأیید حکم صادره از سوی شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان البرز دوران محکومیت سه سال و شش ماه و یک روز حبس خود را در زندان مرکزی کرج سپری می کند، با

پرونده سازی جدیدی مواجه شده است. همزمان با تحمل دوران حبس، دو پرونده امنیتی جدید نیز از سوی نهادهای قضایی علیه او گشوده شده و مقرر است روز هفتم تیرماه در شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج مورد محاکمه قرار گیرد.

مسعود فرهیخته در ۳۰ خردادماه، طی یک فایل صوتی از زندان مرکزی کرج، خطاب به مردم اعلام کرد که در پرونده سازی جدیدی که علیه او در زندان صورت گرفته و قرار است در ۷ تیرماه به اتهام "تبلیغ علیه نظام" در شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج محاکمه شود، شرکت نخواهد کرد.

مسعود فرهیخته باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود و تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده علیه او بسته شوند.

۱ تیر ۱۴۰۵، ۲۲ جون ۲۰۲۶

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
<https://free-them-now.com/>

(برگرفته از مدیای اجتماعی)

کارگر کمونیست

به حزب کمونیست
کارگری بپیوندید!

تلگرام: @wpi_tamas
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲
tamas.wpi@gmail.com

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست

زندان سیاسی آزاد باید گردد!